



ریشه گیری سیستمی با طناب دار

صفحه ۳

محسن محمدی

سالها جنایت تحت لوای انتخابات

صفحه ۴

پردل زارع

فراری از سوی اجبار

صفحه ۵

لقمان شاه میرزائی

حقوق زنان در ایران

صفحه ۶

امید محمدی

مضحکه ای با چهار دهه دروغ

صفحه ۷

شاهرخ بنایی

مضحکه ای دیگر به نام انتخابات



پناهندگی یا بردگی مدرن

سر مقاله سردبیر



مهاجرت برای بسیاری از افراد به مانند رویایی جهت شروع زندگی جدید بدل شده است. رسیدن به مقصد برای آنها همانند نوزادی است، که بتازگی وارد دنیایی می شود. در این بین فرد مهاجر که با فرهنگ و زبان آنجا آشنا نیست و باید آنرا از دیگران بیاموزد و طرز یادگیری و زندگی کردن در آنجا همگی بستگی به افرادی است که در اطراف وی قرار دارند. بر این مبنا است که چگونه او را آموزش دهند. برای زندگی در این جهنم خاموش، جایی که باید مانند یک نوزاد گرگ به دنیا آمد و خوی کفتار را گرفت که اگر این خصوصیات را نداشته باشید حتما مغلوب اطرافیان خود خواهید شد. در آنجا هر شخصی صلیب دروغین بر گردن دارد که فقط آن صلیب کمک به وی، در تمامی موارد زندگی در این اجتماع جدید است. کار در این مقصد به اصطلاح رویایی در دوران انتظار بردگی مطلق است. آری درست است هر پناهنده به کار احتیاج دارد.

پناهندگی یا بردگی مدرن

بها لیلی



در این جهنم خاموش به محض ثبت نام در ادارات مهاجرت آنها تنها کاری که می کنند دادن کاغذی به اندازه برگ امتحان نهایی است و راهی کردن شما برای بردگی در یکی از شهرهای این کشور جهت امرار و معاش خود می باشد. در این هنگام تازه می فهمید فرش قرمزی روی زمین سرد آنجا برای پناهنده نیست. باید شروع به گشتن خانه ای برای خوابیدن و بعد از آن منبع درآمدی که همان بردگی مطلق است. زیرا آنجا بعد از ۱۲ ساعت کار مفید پولی که به عنوان حقوق به این افراد داده می شود فقط برای دادن اجاره خانه و خوراک است. در این هنگام تازه مشخص می شود که دیگر سرگرمی هم در کار نیست. و فقط بایستی صبح را شب کرد. با کارهای طاقت فرسا در گوشه های مختلف شهر و بدون هیچ گونه احتیاطی به طور متداوم باید ماه های متمادی به بردگی سپری کرد. برای رسیدن به حقی هر روز تکه ای از وجود خود را از دست می دهید. مانند انسانیت غرور، شرف، غیرت و جوانی خود که تاوان سنگینی برای یک مهاجرت است.

بر اساس بسیاری از گزارشهای منتشر شده توسط سازمان های معتبر می توان این نتیجه را گرفت که میلیون ها پناهنده در جهان میان بردگی با سبک مدرن به سر می برند. در این بین کشورهای همچون ایران، کره شمالی، گینه استوایی و اریتره از جمله کشورهای هستند که کمترین اقدامات را علیه برده داری مدرن انجام می دهند. کشورهایی که بدلیل شرایط منطقه ای محل زندگی پناهندگان بشمار هستند. اغلب این بردگان مدرن در معادن، مزارع و کارخانه ها به کار گرفته می شوند. به این مجموعه باید بردگان جنسی را نیز افزود که هر روزه بر تعداد آنها افزوده می شود. گزارش جدید شاخص جهانی

برده داری نشان می دهد که وضعیت کاری و معیشتی انسان های زیادی در کشورهای مختلف جهان رو به وخامت نهاده و این افراد در خطر افتادن به دام بردگی مدرن هستند. به گفته مسئولان نهادهای بین المللی، آوارگان و مهاجران از جمله قشرهای آسیب پذیری هستند که به راحتی می توانند به کار بردگی گمارده شوند. کشور هند دارای بیشترین بردگان مدرن است. بسیاری از سازمان های بین المللی هدف گزارشات خود را متوجه کردن افکار عمومی جهان پیرامون خطر بردگی مدرن بیان می کنند. به گفته آنها بر خلاف بیماری های ایدز و مالاریا، برده داری مدرن توسط انسان ها و دولت ها بوجود آمده است. ایران به همراه کشورهای نظیر کره شمالی، هنگ کنگ، اریتره، سودان جنوبی و گینه استوایی در عرصه قانون گذاری و فعالیت نهادهای دولتی کم ترین تلاش را در زمینه مبارزه با برده داری مدرن داشته است.

در چند سال گذشته بنا به گفته سازمان ملل ۴۰۰ هزار ایزدی از خانه های خود آواره شده و هزاران تن به دست داعش اسیر یا به بردگی جنسی گرفته شده اند. این سازمان چهارشنبه سوم اوت به مناسبت دومین سالگرد آنچه پژوهشگران سازمان ملل آغاز نسل کشی ایزدی ها می نامند گزارشی منتشر کرده است. کارشناسان کمیسیون جنایات جنگی سازمان ملل متحد می گویند با هجوم داعش در سوم اوت ۲۰۱۴ به کوهستان های سنجار در عراق نسل کشی ایزدی ها نیز کلید خورده است. بر اساس گزارش سامان ملل طی دو سال گذشته و پس از حمله داعش بیش از ۴۰۰ هزار نفر از اقلیت ایزدی از مناطق سنجار و بعشيقه آواره شده اند و اکنون در وضعیت اسفباری در اردوگاه ها به سر می برند. در گزارش سازمان ملل آمده است: بسیاری از اسیران ایزدی به سوریه برده شدند. در سوریه زنان و دختران ایزدی به دست داعش به بردگی جنسی گرفته می شوند و به پسران نیز برای مبارزه و بعضاً انجام عملیات انتحاری تعلیم داده می شود. برخی گزارش های حاکی از آن است که در سوریه



بسیاری از ایزدی ها برای پایان دادن به تحقیرها، دست به خودکشی زده اند. همچنین تا کنون بیش از ۳۰ گور دسته جمعی کشته شدگان ایزدی در عراق یافت شده است. سازمان ملل در حالی این گزارش و گزارش های دیگری از کشورهای جنگ زده منتشر میکند که این سازمان و سایر سازمان ها هیچ اقدام عملی برای جلوگیری از ادامه جنگ نکرده اند.

همچنین در دول غربی هم بر اساس آمارها در کشوری همچون بریتانیا بسیاری از پناهندگان پس از ورود به این کشور، به خودفروشی وادار می شوند یا آنان را در مشاغل سخت در مزارع یا بخش ساختمان به کار می گیرند. در مواردی، این افراد به تکدی گری گمارده می شوند یا از آنان برای کلاهبرداری از پرداخت های تامین اجتماعی سوء استفاده می شود. تعداد بردگان نوین در بریتانیا تا یک هزار و دویست نفر در سال تخمین زده می شود که در ازای انجام کارهای سخت و گاه غیرقانونی، عابدی ناچیزی دریافت می کنند و بخش عمده دریافتی آنان، نصیب دیگران می شود. برده داران نوین به شکل های مختلف امکان فرار را از قربانیان خود سلب می کنند. گرفتن گذرنامه این افراد، وارد کردن فشار، تهدید و ارباب و محروم کردن آنان از دسترسی به خدمات حمایتی از جمله تمهیداتی است که در این زمینه به کار می رود.



محسن محمدی



ریشه گیری سیستمی با طناب دار

بدون شک حتی اسم بردن از کلمه اعدام برای خیلی از انسان ها دشوار است، چون که اعدام معنای واقعی خشونت و عملی کاملا ضد انسانی است. و در اکثر کشورها بدلیل مبارزه مردم حکم شنیع اعدام از قوانین آن جوامع حذف شده است. حکم اعدام نقض حقوق یک انسان است، اما در سیستم قضایی و حکومت ایران اعدام کاملا طبیعی و امری قانونی می باشد. جمهوری اسلامی ایران با این روش در این فکر است که صدای مخالفین خود، به ویژه اقلیت های مذهبی یا قومی را خفه کند. حکومت با توسل به اعدام خواستار مرعوب کردن جامعه است.

از زمان انقلاب اسلامی تاکنون شمار زیادی از زندانیان سیاسی حتی بدون برگزاری دادگاه اعدام شده اند. در تابستان ۱۳۶۷ خمینی با فتوایی اسلامی دستور کشتار زندانیان سیاسی در سراسر ایران را صادر کرد و در طی دو ماه هزاران زندانی سیاسی که اکثرا حکم زندانشان تمام شده بود با نظارت هیئت مرگ و شخص ابراهیم رئیسی که اکنون کاندید ریاست جمهوری است در دادگاه های چند دقیقه ای محاکمه شدند و اکنون در خاوران های گمنام و بی نام و نشان خفته اند.

سنگین ترین مجازات در ایران برای افرادی با افکار سیاسی یادیدگاه های متفاوت با دولت اعدام است که متاسفانه به راحتی برای آن دسته از اشخاص قابل اجراست. اگر گزارش های سازمان های بین المللی حقوق بشر، به ویژه سازمان ملل را در نظر بگیریم که ایران در زمینه اعدام پس از چین در رتبه دوم قرار دارد ولی اگر این رقم هارا نسبت به جمعیت کشور هادر نظر بگیریم، مسلما ایران در رتبه ی نخست قرار میگیرد. البته ناگفته نیست شمار زیادی از اعدام ها بدون برگزاری دادگاه صورت می گیرد. این به معنی آن است که اسمشان در هیچ سازمانی ثبت نخواهد شد. از

اعدام شدگان در ایران میتوانیم به بهائیان یا همان پیروان آئین بهابیت اشاره کنیم که از ابتدای سال ۵۷ تا به حال حدود ۲۰۰ نفر از آن ها به دلیل اعتقاداتشان ویا به بهانه های دیگری مثل ترویج و تبلیغ دینشان توسط حکومت جنایتکار اسلامی اعدام شده اند. که کوچک ترین آمار از اعدام زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران است. بیشترین آمار اعدام در ایران علیه کرد ها صورت میگیرد، در حدود ۳۷ سال گذشته حدود ۳۰۰۰ نفر، فقط از یکی از احزاب کردی به وسیله ی حکومت داعش اسلامی ایران اعدام شده اند.

در ایران شماری از اعدام ها به بدترین و فجیع ترین شکل یعنی در ملا عام صورت میگیرد، فقط به دلیل این که حکومت می خواهد رعب و وحشت در دل مخالفان خود بیندازد. با این اعمال ضد بشری ستون ها و پایه های نظام هر چه زود تر روبه نابودی خواهند به طور کلی اگر بخواهیم واقع بینانه به کتاب قانون اسلامی ایران نگاه کنیم هیچ چیزی جز جنایاتی که که از جانب بانیمان سیستم ولایت فقیه پایه ریزی شده چیزی دیگر نمی توان یافت. تمامی جوانب حقوق بشر را نقض می کند و جز اعمال ضد انسانی هیچ چیز دیگری در آن وجود ندارد. سران حکومت آخوندی ایران هر چیزی که به نفع بقای حکومتشان بوده، چه انسانی و چه ضد انسانی در کتابی نوشته و آن را کتاب قانون اسلامی نامیده اند البته ناگفته نماند بیشتر قوانین در کتاب قانون ایران برگرفته از کتاب قرآن است که آن هم جز خشونت و قصاص و تجاوز هیچ چیز دیگری درش وجود ندارد.

اگر بخواهیم قوه قضائیه ی ایران را به یک ماشین تبدیل کنیم مسلما اسمش را، ماشین بزرگ اعدام مخالفین باید نامید. در ایران فقط از اعدام به عنوان زهر چشم گرفتن از مردم ویا خفه کردن صدای مخالفان استفاده نمی کنند، بلکه از شکنجه های کاملا ناعادلانه و کثیف مثل تجاوز جنسی به زندانیان هم استفاده کرده و چهره واقعی و منفور خود را به همه نشان داده اند. در چند برهه از تاریخ شوم جمهوری اسلامی ایران،

حکومت ایران متهم به تجاوز جنسی گسترده به زندانیان سیاسی شد. به عنوان مثال: در زمان اعدام زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ اشخاصی همچون حسینعلی منتظری طی نامه ای به تجاوز به زندانیان دختر اعتراض میکند، متهمان پرونده (وبلاگ نویسان) هم در زمان بازداشت، از تهدید شدن به تجاوز جنسی خبردادند. در زمان ریاست جمهوری احمدی نژاد و اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی توسط پلیس، افرادی که در این خصوص در بازداشتگاه کهریزک حبس شدن از تجاوز، برهنه کردن عورت وادرار بر روی زندانیان سخن گفته اند. گزارش هایی از شکنجه و آزار و اذیت جنسی بازداشت شدگان اعتراض به دهمین انتخابات ریاست جمهوری نیز، مطرح شده است. مانند و مثال هایی همچون این مواردی که بیان شد در ایران و در شکنجه گاه های حکومت شوم اسلامی ایران بسیار اتفاق می افتد و این تنها گوشه ی کوچکی از این نوع اتفاقات است.

بایستی تمامی عاملین، آمرین و سران جنایتکار جمهوری اسلامی محاکمه و دادگاهی شوند تا شاید آرامش خاطر ی باشد برای مادران داغدار و یا خواهران چشم به راه و خانواده های که بی سرپرست شدند و ۳۸ سال اعدام و شکنجه و جنایات باشد.

سالتها جنایت تحت لوای

انتخابات

پردل زارع



جمهوری اسلامی ایران که ۳۸ سال است با مضحکه انتخابات مردم را به پای صندوق های رای گیری کشانده است. در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۶ هم قصد دارد تا یکبار دیگر مردم را برای ایجاد توهم مشروعیت بخشیدن به جنایاتش به پای صندوق های نمایشی رای گیری بکشاند. تمامی کسانی که در این دوره از مضحکه انتخاباتی رژیم خود را برای پست ریاست جمهوری ایران، کاندید کرده اند همگی از سران نظام و جنایتکاران رژیم اسلامی ایران هستند، که با نگاهی به کارنامه تک تک آنها می توان دید که همگی این کاندید ها چه روحانی، قالباف، رئیسی، جهانگیری، میرسلیمی و هاشمی تبار دستانشان به خون جوانان، زندانیان سیاسی، دانشجویان و مردم آزادیخواه و برابری طلب و طبقه کارگر آغشته است.

رژیم اسلامی ایران در راستای حفظ بقایش از هر نوع وسیله و ابزار و روشی که بتواند مخالفش را سرکوب و حذف فیزیکی کند و به حفظ بقایش کمک کند استفاده میکند. صدا و سیمای رژیم اسلامی ایران اسلامی ایران که کاری جز پخش دروغ و اخبار جعلی و درست کردن برنامه های خسته کننده مذهبی برای مردم ندارد، در طول این دوره از مضحکه انتخابات فضای بیشتری را برای اصلاح طلب ها، اصول گراها و دیگر جک و جانور اسلامی باز کرده است. این رسانه به اصطلاح ملی با برگزاری برنامه‌ای به نام مناظره انتخاباتی، به یاری آنها آمده و دست به معرفی کاندیداهای پست ریاست جمهوری زده است تا بلکه بتواند با برگزاری این برنامه های مضحک ادای فضای آزاد و دموکراتیکی را از انتخابات برای مردم و نسل جوان به نمایش در آورد. اما در این برنامه هر کدام از کاندیداهای فسیل مغز رژیم اسلامی برای محبوبیت خود شان در میدان مردم

دست به افشاگری های جنایات یکدیگر میزنند و هر کدام برای تیرنه خودش از جنایاتش به دروغ متوسل می شوند و از ترس رو شدن دستشان برای مردم مجبور به ساکت ماندن در قبال جنایات یکدیگر می شوند و برنامه را با بگم بگم و یادت بود و فلان وقت و فلان جا به پایان می رسانند.

در میان کاندیدا های این دوره حسن روحانی که سابقه یک دوره چهار ساله ریس جمهوری رژیم سرمایرداری ایران را دارد، و شعارش دولت تدبیر و امید بود، دولتی که هیچ بهبودی در زندگی توده های زحمت کش جامعه به ارمغان نیاورد و زندگی توده های فقیر جامعه را به زیر خط فقر کشید. در حالی که سطر کارنامه ننگین ریاست جمهوری اش پر است از دادن شعار های پوچ و تو خالی، دادن وعده های الکی، اختلاس های بانکی، حقوقهای نجومی مدیران، اعدام های دست جمعی زندانیان، دزدی، بستن کارخانه ها و بیکار شدن هر روزه کارگران، فقر، بیکاری، اسید پاشی، سرکوب مخالفان و دستگیری فعالان عرصه های سیاسی و اجتماعی، کارگری، زنان، کودکان است. قصد دارد تا دوباره با دادن شعارهایی پوچ و تو خالی و بی اساس مردم را دوباره در مضحکه انتخابات شرکت دهد و چهار سال دیگر به عمر ننگینش رژیم سرمایه داری ایران بیفزاید.

انتخابات در کشوری که تمام ارکان قدرت در دست رهبر است و همه کس و همه چیز به رای او انتخاب می شود. از رای مردم به عنوان وسیله ای تبلیغی در رسانه ها استفاده می کند. می توان این را بیان کرد که مردم هیچ حقی در تعیین سرنوشت خود ندارند و شهروندان از هیچ یک از آزادیهای سیاسی و اجتماعی فردی و فرهنگی برخوردار نیستند و شهروندان بر مبنایی نژاد، قومیت، دین و زبان رتبه بندی می شوند. که بر این اساس می توان این نکته را بیا کرد این مضحکه هیچوقت انتخابات آزاد و دموکراتیک نیست. برای برگزاری یک انتخابات آزاد و دموکراتیک باید نظام دیکتاتور حاکم در کشور را سرنگون کرد و کاندیداها و نمایندگان واقعی از



طبقه کارگر و زحمتکش جامعه و احزاب سیاسی آزادانه در جامعه شرکت داشته باشند. رای من سرنگونی جمهوری اسلامی

**سازما پناهدگان بیمرز واحد
سوئد از تمامی پناهجویان و
آزادیخواهان می خواهد که
روز جمعه برابر با نوزدهم ماه
می همراه با دیگر احزاب در
مقابل سفارت جمهوری
اسلامی گرد هم آیند تا این
مضحکه انتخاباتی را محکوم
نمایند**



فراری از سوی اجبار

لقمان شاه میرزانی



وقتی که یک قوم یا ملیتی رو دست کم می گیرند و بعنوان قومی درجه سه بحساب می آید. نخبگان آن دیار فعالیت می کنند که حقوق فراموش شده و به حاشیه رفته را پس بگیرند.

ایران کشوریست که از نظر دارا بودن ملیت ها و اقوام مختلف در تمام منطقه حائز اهمیت می باشد. اقوامی با ادیان ها و سنت های مختلف با باورهای دینی که در کنار هم زندگی می کنند اما این فقط یک اصطلاح فریبانه ای بیش نیست. چون زیر سقف یک دولتی روزگار خود را به سر می برند که تمامی این باورها و سنت ها زیر سوال رفته و تمام احقاق آنها پایمال شده است. دولت فاشیسمی که تنها یک مذهب و آئین را باور داشته و تمامی ادیان ها و قوم های جامعه ای را رد نموده و هیچ حق و حقوقی برای آنها مبذول نکرده و به اجبار به مردمان این سرزمین قبولانده است که فقط باید از یک رهبر دینی و یک ذهنیت پیروی کنند.

در زندان های ایران زندانیانی وجود دارند که البته باید گفت، انسان های آزادیخواهی که به خاطر افکار و ادیان بخاطر دفاع از هویت، به خاطر به چشم آمدن در جامعه در حبسی بسر می برند که به ناچار آن را برگزیده اند یا به عنوانی دیگر به آنها تحمیل شده است. آنها افرادی بیگانه نیستند، مردمانی هستند از همین دیار که اغلب آنها گُرد، بلوچ، عرب، سنی مذهب، مسیحی و بهایی هستند. که فقط خواسته آنها این است که ما هستیم. ما از این سرزمین و بزرگ شده این خاک و حقوق شهروندی را خواستار هستیم. همان حقی که باید به ناچار برایش مبارزه کرد مبارزه ای که شروع و پایان در نهایت از آن ما است.

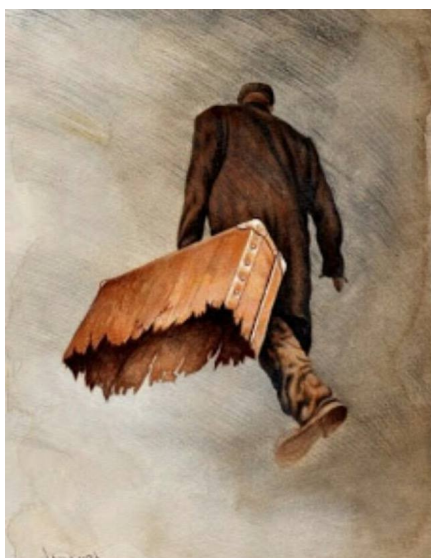
در آخر تنها پاسخی که این انسانهای آزادیخواه کسب می کنند چیزی نیست جز حقارت،

جوانان و نوجوانان در سال جاری در مقایسه با سالهای گذشته کم تر در دانشگاه ها ثبت نام می کنند و از اینکه کارو شغلی را بعد از اتمام درس پیدا نخواهند کرد خسته و مأیوس می شوند. این همان عقب ماندگی رشد یک مملکت می باشد. اما مالکی که رشد و توسعه آن بر وجود جوانان آن کشور می باشد و چرخه صنعت و پویایی کشور را کسانی بدوش می گیرند که از لحاظ تفکر و ذهنیت جوان بوده و سرشار از ایده و خلاقیت ها باشند. اما متأسفانه در جامعه ایران هیچ خبری از به سرکار آمدن نیرو متخصص و کارآمد نیست. به دلیل اینکه سیستم فضایی را برای این قشر فراهم نکرده که بتوانند در راستای اهداف و برنامه ها کمکی به حل بحران های جامعه ای که از لحاظ تفکر و ذهنیت در سطح بسیار پایین ی قرار دارد بکنند.

جوانان در هر جامعه بعنوان بزرگترین نیروی کار بشمار می آیند و نقش موثری در ترقی و شکوفایی جامعه داشته دارند. اما بیکاری و فقر نبود حقوق شهروندی گرایش به احزاب سیاسی متعلق بودن به ادیان یا مذهبی از عمده ترین دلایلی است که باعث فرار یا مهاجرت به اجبار میل باطنی شده است. وضعیت بی ثبات اجتماعی و سیاسی ایران و فشار روز افزون بروی دانشگاه ها باعث شده که سالانه تعداد بسیار زیادی از نخبگان از کشور خارج شوند. براساس گزارش صندوق بین المللی پول در میان ۹۱ کشور در حال توسعه ایران رتبه نخست مهاجرت نخبگان را دارد که براساس این گزارش سالیانه ۱۵۰۰۰ تا ۱۸۰۰۰ از کشور فرار می کنند

شکنجه شدن و حبس اما در نهایت در

دادگاههای سوری که ساخته دست مجریانی به ظاهر منصف در پیشگاه خداوند، یک اتهام محاربه به پرونده آنها اضافه می شود و آخرین دستمزد فعالیت های آزادیخواهانه خود را با صدور حکم اعدام دریافت می کنند. در چنین مملکتی که حق آزادی بیان نیست، حق گویش و تدریس به زبان مادری نیست، حق پرستش و بجا آوردن سنت ها و باورهای دینی که خود برگزیده ای نیست و حق و حقوقی مساوی برخوردار نیستند. چطور می توان سدی شد برای انسانهایی که بدون خواسته و به اجبار قصد ترک سرزمین مادری و مهاجرت به دیاری که اسم و واژه های آن برایش بیگانه است. بایستی گفت که هیچ کس داوطلبانه کشور خود را ترک نمی کند.





امید محمدی



حقوق زنان در ایران

مادر یا زن واژه کاملاً آشنایست که هر انسانی با آن آشناست و جایگاه آن در جامعه و خانواده کاملاً واضح و محرز است. تکامل فرزندان در نبود مادر بسیار دشوار است و قسمت بزرگی از نیازهای آنها را فقط یک مادر می تواند برطرف سازد. میزان اهمیت به زنان را در هر جامعه می توان با نگاه به فرهنگ و پیشینه آن جامعه مشاهده کرد یعنی می توان با نگاه به کتب، اشعار، داستان ها، و غیره از جایگاه زن در آن جامعه ذهنیتی پیدا کنیم.

این یک موضوع کاملاً واضح و غیر قابل انکار است که میزان برابری زنان و مردان در جوامع مختلف فرق دارد، و در هر جامعه نگاه به زنان و میزان توانایی آنها کاملاً متفاوت است. مشارکت فعال زنان، در تکاپوی جامعه مساله ای است که از دیرباز با موانع و مشکلات فراوانی روبرو بوده است به طوری که این موانع در قالب های مختلف اجتماعی، مذهبی، اقتصادی و... جلوه نموده و از زنان، موجودی ثانوی ساخته است و از تکاپوی اجتماع به زاویه و کنج خانه محبوس ساخته است تا روزگار ما که زنان به خاطر دورماندن و جدا شدن از فعالیت های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی دچار رکود فکری گردند. این مساله بیشتر در جوامع اسلامی خود را نشان داده و کاملاً قابل رویت است. اینکه مردان از لحاظ توانایی جسمی از زنان برتری دارند دلیل نمی شود که در هر زمینه ای مردان در صدر باشند و فضایی برای رشد زنان در نظر گرفته نشود. ظرافت زن ریشه در آفرینش او دارد و یک کودک تازه متولد شده نیاز به همین ظرافت برای رشد و نمو دارد و به چنین مردانی تبدیل می شوند. حال می خواهیم به بررسی جایگاه زنان در ایران بپردازیم کشوری با جامعه اسلامی و قومیت ها مختلف، در رسانه ها و کتب و نشریات ادعا می شود که حقوق زنان در ایران

به طور کامل به آنها عطا می شود و خود را در این امر برتر از کشورهای اروپای و توسعه یافته می دانند اما واقعیت چیست. واقعیت را باید از زبان جامعه زنان ایرانی شنید نه مردان سیاسی که با اخبار و شعارهای کذب و دروغین می خواهند واقعیات را طوری دیگر نشان دهند و هدف من در اینجا بیان مشکلات و محدودیت های است که زنان ایرانی در حال رویارویی با آن هستند بیان تمامی این مشکلات و محدودیت ها دور از توان چند سطر مقاله است ولی سعی بر این دارم به عناوین مهم اشاره ای داشته باشم این عناوین مهم عبارتند از:

۱. اسلام شهادت ۲ زن را در مجامع قضایی (دادگاه) معادل شهادت یک مرد می داند علاوه بر این، شهادت یک زن برای انواع خاصی از جرایم قابل قبول نیست.

۲. ورزشکاران زن ایرانی با مشکلات بزرگی در حضور در مسابقات روبرو هستند. نیلوفر اردلان، کاپیتان تیم فوتبال ایران و بهترین بازیکن زن و ملقب به سحر و جادو پای چپ، از بازی در فوتسال قهرمانی زنان در مالزی در سال ۲۰۱۵ با توجه به قانون شریعت محروم شد. وی به دلیل اینکه شوهرش اجازه خروجش را از ایران نداد نتوانست از کشور خارج شود.

۳. عدم حضور زنان در ورزشگاهها و استادیوم های ورزشی، ممنوعیت زنان در استادیوم های ورزشی سمبل سرکوب زنان در سراسر کشور است.

۴. در سال ۱۳۹۱ در کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی لایحه ای به تصویب رسید که طی آن زنان مجرد زیر ۴۰ سال نیز در زمره افراد تحت ولایت و قیمومیت قرار می گیرند یعنی باید برای خروج از کشور رضایت ولی خود را کسب کنند و این لایحه با مخالفت فراوانی رو به رو شد.

۵. دوچرخه سواری بانوان در مجامع عمومی و نیز در جایی که در معرض دید نامحرم باشد، حرام است.

۶. زنان در مکان ها عمومی می بایست حجاب

کامل را رعایت کرده و در غیر این صورت محکوم به زندان یا پرداخت جریمه نقدی می شوند. حتی دانش آموزان دختر برای رفتن به مدرسه ابتدایی به اجبار باید با پوشش کامل وارد شوند.

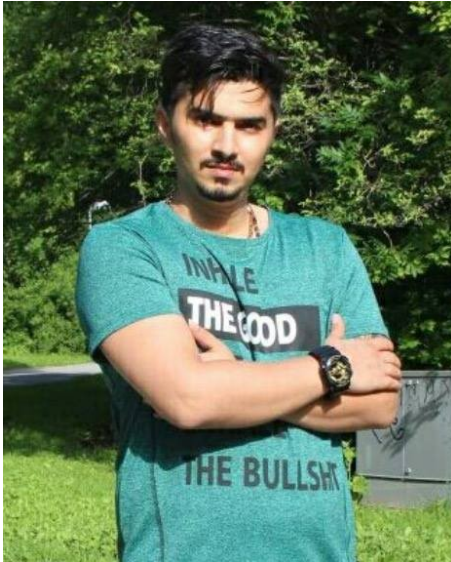
۷. ۶۴ میلیون نفر از جمعیت کشور بالای ۱۰ سال سن دارند و ۳۸ درصد آنها جزء فعالان اقتصادی منظور می شوند. ۵۰ درصد این عده باید زنان باشند، اما سهم آنها در مشارکت اقتصادی تنها ۱۳ درصد است. محدودیت های خانوادگی، فقدان شرایط اجتماعی مناسب برای کار کردن، گسترش نگاه جنسیتی، قضاوت مبتنی بر عدم توانمندی زنان در توسعه، و فرهنگ حاکم بر جامعه که عمدتاً فرهنگ مردسالارانه است، از دلایل کاهش دهنده حضور و مشارکت واقعی زنان در عرصه اقتصادی هستند

۸. طبق ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی در صورت طلاق حق نگهداری و سرپرستی فرزند یا فرزندان با پدر یا جد پدری است.

۹. عدم توانایی زنان برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری و تایید نشدن آنها توسط شورای نگهبان که تشکیل شده اند از گروهی از مردان که در راس حکومت هستند. ادامه

صفحه ۷





مضحکه ای با چهار دهه دروغ

شاهرخ بنایی



سیستم انتخاباتی جمهوری اسلامی تاکنون روندی را طی کرده است که آفرینش مرگ برای جامعه بوده است. همه تحولات این نظام انتخاباتی از زمان رای گیری درباره تعیین نوع رژیم پیاز سقوط نظام پادشاهی، تا ماجرای سال ۸۸ و غیره نشان از آن دارد که این روند به فرجام نهایی خود نزدیک می شود. این فرجام باتوجه به ماهیت استبدادی این رژیم فاسد چیزی جز نزدیک بودن مرگ ان را گواهی نمی دهد. اما در این بین شاید هنوز هم کسانی باشند که امید به بهتر شدن اوضاع امروز ایران دارند، که می توان آن را به نوعی بودن در خواب غفلت این عده دید، که فقط فرصت بیشتری به این سیستم پر از دروغ برای جنایات بیشتر می دهند. پس می توان گفت واژه تحریم انتخابات و شرکت نکردن مردم در انتخابات، تصمیم بزرگ و درستی است. زیرا این خود مردم هستند که می توانند با شرکت نکردن در انتخابات پیش رو زنگ خطر را برای رژیم فاسد ایران به صدا درآورند. رژیمی که اجازه سندیکاها را آزاد به کارگران برای تشکل های صنفی آنها رانمی دهد. چگونه می تواند شاهد و ناظر مورد اعتمادی برای تأیید صحت انتخابات باشد؟ در رژیمی که احزاب سیاسی آزادی فعالیت ندارند و آزادی بیان با زندان و شکنجه و اعدام پاسخ داده می شود، شرکت در انتخابات توهین به شعور شرکت کننده در انتخابات است. این انتخابات را باید همیشه تحریم کرد و به مردم یاد دهیم رژیمی که نمایندگان انتصابی، لیاقت انتخاب شدن ندارند. تنها تحریم این انتخابات کاردرستی بوده و منجر به افشا این رژیم می شود. در ایران نمی توان از یک انتخابات آزاد و دموکراتیک نام برد، زیرا نمایندگانی که منتصب می شوند و در زیر ساطور شخص خامنه ای و شورای نگهبان روی کار می آیند نمیتوانند به صورت دموکراتیک و با اراده خودشان کار کنند.

۱۰. زنان مجازند برای شرکت در انتخابات مجلس ولی در ۲۹۰ کرسی در حال حاضر دارای نه عضو زن هستیم (تنها سه درصد از کل) و این یک آمار بسیار ضعیف است.

۱۱. در قانون اسلامی ایران یک مرد حق دارد با چهار زن زداواج دائم کند .

۱۲. حداقل سن ازدواج برای دختران ۱۳ سال است که در کشورهای دیگر بین ۱۶ تا ۱۸ سال است درحالی که در ۱۳ سالگی آنها حق رای دادن ندارند.

۱۳. با وجود انتخاب حسن روحانی به عنوان رئیس جمهور در جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۱۳، زنان همچنان با چالش های جدید در حقوق مدنی دست و پنجه نرم می کنند، چالش های بزرگ برای زنان برای رسیدن به برابری و همچنین دسترسی به منابع آموزش و پرورش و نیروی کار. ۱۴. برابر ماده ۹۰۷ قانون مدنی در ایران سهم یک دختر از ارث پدر در صورت داشتن برادر، نصف سهم برادر است. این موارد که به آنها اشاره شد تعدادی از مشکلاتی بود که زنان و دختران در ایران با آن روبرو هستند و مشکلات بسیاری دیگر وجود دارد که امیدوارم زمانی این مشکلات و نابرابری ها پایان بیابد چون آنها مستحق داشتن حق و حقوقی برابر با مردان هستند و به امید روزی که تبعیض علیه آنها پایان یابد.



اما این سؤال وجود دارد، که آیا خودمستولان به ظاهر دلسوز بوی گند فساد و دروغ گویی اذیتشان نمی کند؟ آیا وضع امروز مردم ایران و نارضایتی آنها از وضعیت اجتماعی، مالی و فرهنگی گواه آن را نمی دهد که روز جوابدهی نزدیک است؟ آنان که به دروغ وعده های خوشایندی به مردم می دهند و در آخر با بدتر شدن اوضاع و پرکردن جیب خود کار را تمام می کنند و مدیریت امور را به دست خرابکار بعدی می سپارند. یه جرات می توان گفت که رژیم جمهوری اسلامی ایران با روی کار آوردن گروهی از قاتلین و سرکوبگران و نوع انجام انتخابات، کلیت واژه انتخابات را زیر سؤال برده است. آیا در اصل انتخابی مردمی وجود دارد؟ مطمئناً خیر متأسفانه حرفها و وعده هایشان را با دادن شیرینی و شربت آغاز می کنند و در آخر با عملکرد بدشان آن شیرینی را تبدیل به طعم تلخ زهر در دل مردم جامعه به پایان می رسانند. در جامعه ی دیکتاتوری اسلامی وقتی نظرها و حرفهای مردم سانسور می شود و سخنرانیها در تلویزیون باید از فیلترسختگیرانه خودشان عبور کنند و یک چهارچوب خاص باشد، پس نمیتوانم حرفم را اینگونه تمام کنم، که بوی گند فساد و خرابی نظام ایران را با روکشی از جنس دین و مذهب پنهان کرده اند، مرگ بر جمهوری اسلامی ایران.



تماس با واحدهای سازمان بيمرز

دبير سراسری سازمان بيمرز

سعید آرمان

تلفن تماس: ۰۰۴۴۷۷۹۱۰۸۹۴۸۷

Adress: IOIR, BM BOX 2592,
London, WCIN 3XX, UK.

E-mail: saeed_arman2002@yahoo.co.uk

دبير واحد سراسری سوئد بيمرز

عباس رضایی

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۳۷۳۰۱۱۳۶

دبير واحد استکهلم سازمان بيمرز

محمود محمد زاده

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۳۶۲۲۸۷۲۶

دبير واحد گوتنبرگ

ابوبکر شریف زاده

تلفن: ۰۰۴۶۷۲۲۹۱۸۰۷۰

دبير واحد شمال سوئد

محمد عابدیان

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۳۷۲۴۹۲۳۱

سازمان سراسری پناهندگان ایرانی - سوئد
Iranska Flyktingars Riksorganisation - Sveriges sektion



جلسات هفتگی سازمان بيمرز در روزهای

دوشنبه ساعت ۶ عصر برگزار می شود. از همه
پناهندگان و علاقمندان به فعالیت در این عرصه
دعوت می شود که در این جلسات شرکت کنید.

International Organisation of Iranian Refugees
سازمان سراسری پناهندگان ایرانی - بيمرز



تماس با سردبير:

نشریه بيمرز، نشریه سازمان سراسری پناهندگان ایرانی است که در چهار چوب
اساسنامه آن عمل می کند و در تلاش است که مسایل و مشکلات پناهندگان و دلایل
خروج آنان از چنگال رژیم اسلامی را بررسی و مبارزه ای را برای رسیدن به
آزادی و برابری و سرنگونی جمهوری اسلامی ترتیب دهد.

برای ارسال مطالب خود به نشریه و همچنین ارائه نظرات و پیشنهادات خود با ایمیل

زیر در تماس باشید.

bahaleili7@gmail.com

منتظر مقالات، نظرات و پیشنهادات شما هستیم.

